

# مصادیق و چشم‌انداز بحران‌های اقتصاد ایران

میلاذ میرا<sup>۱</sup>

## چکیده

بررسی وضعیت متغیرهای نرخ تورم، بیکاری، فقر و نابرابری درآمد، رشد تصاعدی بدهی‌های دولت در سال‌های اخیر و افزایش شدت مصرف انرژی، بیان‌کننده ناکارآمدی سیاست‌های اتخاذ شده برای مدیریت کشور در سال‌های گذشته است. عدم اتخاذ سیاست‌های مناسب برای بهبود وضعیت کنونی متغیرهای کلان اقتصادی و تداوم روند موجود، می‌تواند موجب فراهم شدن زمینه‌های وقوع بحران‌های اقتصادی در آینده‌ای نه‌چندان دور شود که با توجه به تأثیرپذیری بحران‌های سیاسی و اجتماعی از بحران‌های اقتصادی، خطری جدی برای امنیت ملی نیز به شمار می‌آید. در راستای جلوگیری از تشدید بحران‌های اقتصادی در کشور، ۱- منع به‌کارگیری مجدد بازنشستگان، ۲- ایجاد تطابق بین دانش و مهارت دانش‌آموختگان با دانش و مهارت مورد نیاز برای تصدی مشاغل، ۳- کاهش مخارج دولت، ۴- ایجاد فضای باثبات اقتصادی، ۵- کاهش تصدی‌گری دولت در اقتصاد، ۶- ارتقای فناوری تولید و کاهش انرژی‌بری محصولات تولیدی، ۷- ایجاد اشتغال مولد و مهارت‌آموزی برای مقابله با فقر و ۸- استفاده از ظرفیت‌های بازار سرمایه به‌منظور کنترل نقدینگی و رونق تولید پیشنهاد می‌شود.

واژگان کلیدی: بحران‌های اقتصادی، نقدینگی، تورم، اشتغال، ایران.

## مقدمه

طول زمان می‌تواند باعث نارضایتی مردم از حکومت و حتی به فروپاشی حکومت منجر شود. وضعیت نامناسب متغیرهای کلان اقتصادی مانند نرخ بیکاری، نقدینگی، نرخ تورم، فقر و نابرابری و بدهی‌های دولت در ماه‌های اخیر به‌نوعی بیان‌کننده وقوع بحران اقتصادی در کشور است و در صورت عدم اتخاذ سیاست‌های مناسب برای بهبود وضعیت کنونی، شاهد تشدید بحران‌های اقتصادی و حتی سیاسی در سال‌های آتی خواهیم بود. اتخاذ سیاست‌های اقتصادی برای پیشگیری از وقوع بحران‌ها مستلزم شناخت و آگاهی دقیق در خصوص عدم تعادل‌ها و بحران‌های موجود در کشور است.

رصد وضعیت متغیرهای اقتصادی در کشور نشان می‌دهد که زمینه شکل‌گیری و تعمیق بحران‌های اقتصادی در ماه‌های آتی در کشور به‌مرور مشاهده می‌شود. از سوی دیگر، نظریه‌های بحران بیان‌کننده آن است که بحران‌های اقتصادی می‌تواند به شکل‌های دیگری از بحران‌ها تبدیل شود. این موضوع بیان‌کننده آن است که بحران‌های اقتصادی از این ظرفیت برخوردارند که به‌راحتی تغییر ماهیت دهند. بسیاری از بحران‌های اقتصادی علاوه بر آنکه رابطه علت و معلولی دارند، بر متغیرهای اجتماعی و فرهنگی نیز تأثیرگذارند، به‌طوری که وقوع بحران‌های اقتصادی در

۱- پژوهشگر گروه اقتصاد مقاومتی و برآورد اقتصادی، مرکز پژوهشی امنیت اقتصادی تدبیر، تهران، ایران mir.molad91@gmail.com

قرار دارد و زمینه‌های وقوع بحران اقتصادی در حال شکل‌گیری است. در ادامه، به‌منظور بررسی مصادیق برخی از بحران‌های اقتصادی، وضعیت برخی از مهم‌ترین متغیرهای کلان اقتصادی بررسی می‌شود.

### - بحران نقدینگی و تورم

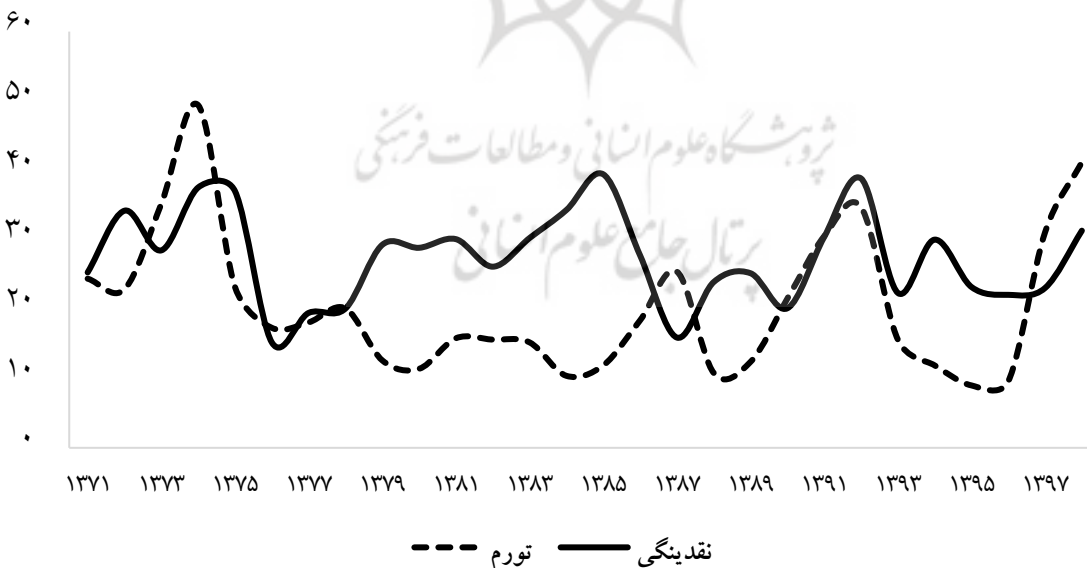
در حالی که معضل بیشتر کشورهای دنیا در مورد تورم تا حدود زیادی حل شده، اقتصاد ایران بیش از سه دهه است که از تورم رنج می‌برد. در سال‌های گذشته افزایش بی‌رویه نقدینگی یکی از عوامل اصلی ایجاد و استمرار تورم در اقتصاد کشور بوده است. نمودار شماره ۱، نرخ رشد نقدینگی و تورم را طی سال‌های اخیر نشان می‌دهد.

از این‌رو، نظر به اهمیت موضوع بحران‌های اقتصادی و ضرورت اتخاذ سیاست‌های اقتصادی مناسب برای پیشگیری از وقوع بحران‌ها، در این گزارش، به بررسی برخی از مهم‌ترین مصادیق و چشم‌انداز بحران‌های اقتصاد ایران می‌پردازیم. در بخش نخست گزارش مهم‌ترین مصادیق بحران‌های اقتصادی بررسی می‌شود. در بخش دوم، به ملاحظات امنیت اقتصادی و در بخش سوم، به نتیجه‌گیری و ارائه راهکارها می‌پردازیم.

### ۱- مصادیق برخی از مهم‌ترین بحران‌های کنونی کشور

بررسی وضعیت متغیرهای کلان اقتصادی نشان می‌دهد که اقتصاد کشور در وضعیت نامناسبی

نمودار ۱- نرخ رشد نقدینگی و تورم (برحسب درصد)



مأخذ: وبگاه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

تورم دورقمی را تجربه کرده است. البته، رشد نقدینگی تنها عامل نرخ تورم بالا در سال‌های گذشته

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، به‌جز دوره‌ای کوتاه‌مدت، طی سه دهه اخیر اقتصاد ایران همواره

نقدینگی در پایان سال ۱۳۹۹ حدود ۳۱۰۰ هزار میلیارد تومان خواهد بود و در صورتی که روند رشد نقدینگی در سال آینده نیز ادامه داشته باشد، برای سال ۱۴۰۰ رقم نقدینگی حدود ۳۹۰۰ هزار میلیارد تومان پیش‌بینی می‌شود.

با توجه به بیش‌برآورد درآمدهای دولت در بودجه سال ۱۴۰۰، به احتمال زیاد دولت در سال آینده با کسری بودجه مواجه خواهد شد. از این رو، به احتمال زیاد دولت به منظور پوشش بخشی از کسری بودجه خود از بانک مرکزی استقراض خواهد کرد که این موضوع نیز در میزان افزایش نقدینگی و نرخ تورم در سال آینده تأثیرگذار است.

تداوم روند کنونی در خصوص تمایل فعالان اقتصادی به سرمایه‌گذاری در بازارهای رقیب تولید به جای سرمایه‌گذاری در تولید، بالا بودن ریسک و نااطمینانی در فعالیتهای تولیدی، فضای نامناسب کسب‌وکار و رشد بدهی‌های دولت به نظام بانکی ناشی از کسری بودجه مستمر، بحران نقدینگی و تورم را تعمیق می‌بخشد، از این رو، کنترل رشد بی‌رویه نقدینگی و تورم بدون برطرف کردن موانع و مشکلات یادشده امکان‌پذیر نیست.

#### - بحران بیکاری

بهبود وضعیت اشتغال و کاهش نرخ بیکاری یکی از مسایل اساسی در مسیر دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی است؛ علاوه بر این، نرخ بیکاری یکی از رایج‌ترین شاخص‌های ارزیابی عملکرد اقتصاد کشورهاست. بررسی وضعیت نرخ بیکاری در سال‌های گذشته بیان‌کننده ناکارآمدی سیاست‌های

نبوده است، بلکه عواملی از جمله: تحریم‌های اقتصادی، جهش‌های ارزی و پایین بودن نرخ رشد اقتصادی از جمله عوامل مؤثر بر نرخ تورم بوده‌اند.

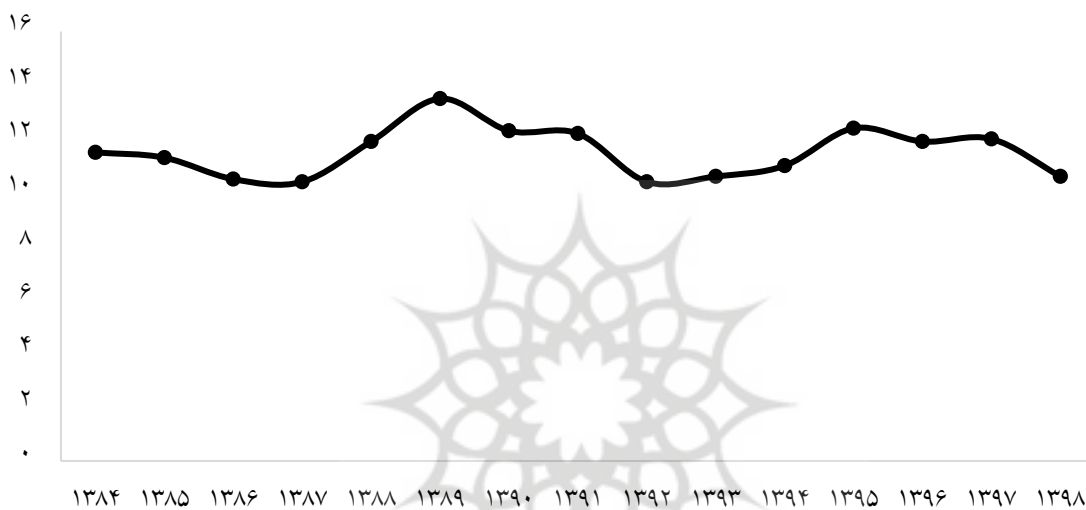
در خصوص افزایش نقدینگی و تأثیر آن بر نرخ تورم باید به دو نکته توجه کرد؛ ۱- به‌طور معمول در ادبیات اقتصادی آنچه به‌عنوان عامل اصلی تورم در بلندمدت از آن یاد می‌شود، رشد نقدینگی مازاد بر رشد تولید است در صورتی که نقدینگی خلق‌شده به سمت فعالیت‌های تولیدی هدایت شود و رشد آن متناسب با رشد اقتصادی باشد، می‌تواند حتی آثار تورمی به همراه نداشته باشد. ۲- منشأ و دلیل رشد نقدینگی و سیاست‌های پولی همراه با آن می‌تواند به‌طور قابل توجهی اثرگذاری متغیرهای پولی بر سطح عمومی قیمت‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. در سال‌های اخیر تولید متناسب با نقدینگی رشد نکرده است، در واقع، نااطمینانی و فضای ملتهب اقتصادی، ریسک بالای سرمایه‌گذاری در بخش تولید و فضای نامناسب کسب‌وکار موجب شده است نقدینگی به جای تولید به سمت سوداگری و بازارهای طلا، ارز و مسکن هدایت شود که یکی از نتایج آن تورم در اقتصاد بوده است. از سوی دیگر، بررسی اجزای نقدینگی در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که افزایش بدهی دولت به نظام بانکی که به‌طور عمده از کسری بودجه جاری دولت ناشی می‌شود، یکی از دلایل اصلی افزایش بی‌رویه نقدینگی بوده است.

نقدینگی در پایان سال ۱۳۹۸ حدود ۲۴۷۲ هزار میلیارد تومان بوده است؛ اگر نرخ رشد سالانه نقدینگی را به‌طور متوسط ۲۵ درصد در نظر بگیریم،

بوده‌ایم، همواره نرخ بیکاری بیشتر از ۱۰ درصد بوده است. عوامل مختلفی در شکل‌گیری وضعیت کنونی اشتغال مؤثر بوده‌اند، اما شاید بتوان تنگناهای پیش روی بخش تولید و نظام آموزشی غیرهدفمند را اصلی‌ترین دلایل ایجاد شرایط کنونی دانست.

اقتصادی برای بهبود وضعیت اشتغال در کشور است. نمودار شماره ۲، نرخ بیکاری کشور را برای سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۸ نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود که طی این سال‌ها، نرخ بیکاری روند نوسانی داشته است و با وجود آنکه در برخی سال‌ها شاهد کاهش آن

نمودار ۲- نرخ بیکاری کل (درصد)



مأخذ: وبگاه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

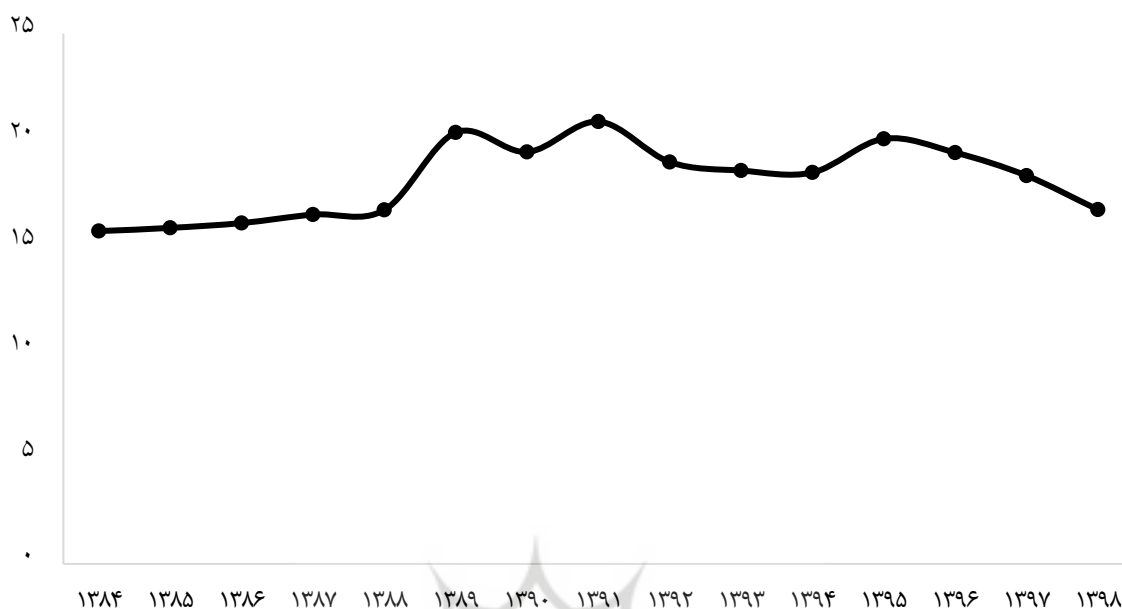
دانشگاهی را طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۹۸ نشان می‌دهد. در یک دهه گذشته نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی همواره دورقمی بوده و روند افزایشی داشته است.

در سال‌های گذشته تنگناهای پیش روی بخش تولید از جمله: کمبود نقدینگی و موانع پیش روی بنگاه‌های اقتصادی در دسترسی به تسهیلات، وجود تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی و محدودیت در دسترسی به مواد اولیه، و نوسانات نرخ ارز، باعث کاهش سرمایه‌گذاری و تولید شده که این اتفاق‌ها، بدتر شدن وضعیت بیکاری را به دنبال داشته است. از سوی دیگر، وجود نظام آموزشی غیرهدفمند، به‌عنوان یکی از بحران‌های موجود در جامعه، دلیل دیگری برای ایجاد شرایط کنونی بازار کار بوده است. نمودار شماره ۳، نرخ بیکاری دانش‌آموختگان

منشأ و دلیل رشد نقدینگی و سیاست‌های پولی همراه با آن می‌تواند به‌طور قابل توجهی اثرگذاری متغیرهای پولی بر سطح عمومی قیمت‌ها را تحت تأثیر قرار دهد.



نمودار ۳- نرخ بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی (درصد)



مأخذ: وبگاه مرکز آمار جمهوری اسلامی ایران.

رشد چشمگیر متقاضیان ورود به دانشگاه‌ها، کاهش کیفیت تحقیق و آموزش و مسئله ناهمخوانی تخصص فارغ‌التحصیلان و نیازهای بازار کار، باعث ایجاد بحران بیکاری تحصیل کرده‌ها در جامعه شده است. ناکارآمدی نظام آموزشی و نقش قابل توجه آن در بیکاری فارغ‌التحصیلان غیرقابل انکار است، اما در خصوص بالا بودن نرخ بیکاری بین دانش‌آموختگان دانشگاهی باید توجه کرد که این معضل تنها به عملکرد ضعیف نظام آموزشی بر نمی‌گردد، بلکه نابسامانی فضای کسب‌وکار در کشور و وضعیت نامناسب شاخص‌های اقتصادی نیز مزید بر علت شده است تا معضل بیکاری در بین فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، بیش از دیگر اقشار جامعه بروز کند.

واضح است که نظام آموزش عالی کشور در یک بحران به سر می‌برد و چشم‌انداز چندان روشنی برای آینده دانشجویان امروزی که به صورت انبوه وارد دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی شده‌اند، وجود ندارد. به نظر

نرخ بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۹۸ از ۱۵/۶۹ درصد به ۱۹/۳۹ درصد افزایش یافته است. عدم تناسب بین تعداد فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و ظرفیت‌های شغلی ایجاد شده، جذب افسارگسیخته دانشجویان بدون نیازسنجی و فقدان مهارت کافی دانش‌آموختگان دانشگاهی، از مهم‌ترین دلایل ایجاد وضعیت کنونی بوده‌اند. با وجود آنکه مهارت‌آموزی و مهارت‌افزایی از مؤلفه‌های تعیین‌کننده توسعه فرصت‌های شغلی است، در دهه‌های گذشته چندان مورد توجه قرار نگرفته است. مصداق این ادعا را می‌توان در خیل عظیم فارغ‌التحصیلان دانشگاهی مشاهده کرد که با وجود کسب مدرک دانشگاهی، از حیث علمی، فاقد توان و تجربه کافی هستند و به‌طور عمده در طول دوره‌های تحصیلی، مجموعه‌ای از مباحث تئوریک را به خاطر می‌سپارند که بعد از مدتی به فراموشی سپرده می‌شوند.

است؛ از این رو، ضروری است سیاست‌گذار با به‌دست آوردن اطلاعات کافی در خصوص آن در جهت اتخاذ تصمیمات مناسب گام بردارد.

تحولات اقتصادی کشور در سال‌های اخیر به‌وضوح گویای فقر و بدتر شدن معیشت خانوارهاست. مقایسه درآمد سرانه حقیقی در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۸ بیان‌کننده آن است که طی این سال‌ها، درآمد سرانه کاهش چشمگیری را تجربه کرده، به طوری که درآمد سرانه سال ۱۳۹۸ نسبت به درآمد سرانه سال ۱۳۹۰، کاهش ۳۵/۷ درصدی داشته است؛<sup>۱</sup> به عبارت دیگر، قدرت خرید هر فرد در سال ۱۳۹۸ نسبت به سال ۱۳۹۰ حدود یک‌سوم کاهش یافته است. در واقع، با وجود افزایش درآمد اسمی خانوارها طی این سال‌ها، افزایش شدید قیمت‌ها موجب کاهش درآمد حقیقی و قدرت خرید مردم شده است. براساس یافته‌های مرکز پژوهش‌های مجلس، در صورت تحقق رشد اقتصادی ۸ درصدی از سال ۱۳۹۹ به بعد، ۶ سال زمان لازم است تا به سطح درآمد سرانه سال ۱۳۹۰ برگردیم.

در حال حاضر اطلاعات مستندی در خصوص جمعیت زیر خط فقر در کشور وجود ندارد، اما در سال ۱۳۹۶ جمعیت زیر خط فقر کشور از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس ۱۶ درصد جمعیت کل کشور اعلام شد و در آن زمان با توجه به پیش‌بینی از وضعیت متغیرهای اقتصادی مانند نرخ رشد اقتصادی

می‌رسد در سال‌های اخیر سعی شده است بحران بیکاری از طریق دانشگاه‌ها کنترل شود، به این صورت که تعداد زیادی از جوانان را به خود جذب کرده، چندین سال آنها را از بازار کار دور نگه‌داشته و سپس، بدون در نظر گرفتن تقاضای بازار کار، به‌طور عمده نیروی کار بدون تخصص و مهارت به جامعه عرضه شده است. در واقع، به نظر می‌رسد به جای آنکه حل معضل بیکاری افراد تحصیل‌کرده مدنظر قرار گیرد، توجه بیشتر به کنترل و کاهش نرخ بیکاری کل از طریق افزایش پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها معطوف شده است. انتظار می‌رود با تداوم شرایط کنونی و عدم تغییر و تحول نظام آموزشی کشور بحران بیکاری، به‌ویژه بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی در سال‌های آتی عمیق شود.

در شرایط کنونی بسیاری از کسب‌وکارها در رکود به سر می‌برند و با مشکلات مالی دست‌وپنجه نرم می‌کنند، این موضوع باعث می‌شود حتی اگر در سال آینده رشد اقتصادی مثبت و منابع مالی به بنگاه‌های تولیدی تزریق شود، بسیاری از بنگاه‌ها تا مدتی برای گسترش ظرفیت تولید توان مالی نداشته باشند و ترجیح دهند از همان نیروی کار گذشته استفاده کنند. به همین دلیل، حتی در صورت مثبت بودن رشد اقتصادی در سال آینده، ایجاد فرصت‌های شغلی با محدودیت‌هایی مواجه است.

#### - بحران فقر و نابرابری درآمد

فقر و نابرابری درآمد از جمله موضوع‌های اقتصادی است که نه تنها از لحاظ ابعاد اقتصادی، بلکه از نظر اجتماعی و سیاسی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار

۱- درآمد ملی سرانه در سال ۱۳۹۰، براساس قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰، حدود ۷/۳۸ میلیون تومان بوده که این میزان در سال ۱۳۹۸ به ۴/۷۴ میلیون تومان کاهش یافته است.

می‌دهد که بعد از سال ۱۳۹۲ که ضریب جینی کمترین مقدار خود را داشته، تا سال ۱۳۹۷ ضریب جینی افزایش یافته و وضعیت توزیع درآمد بدتر شده، اما میزان شاخص ضریب جینی در سال ۱۳۹۸ بیان‌کننده بهبود نابرابری درآمد نسبت به سال ۱۳۹۷ بوده است. از دلایل عمده گسترش فاصله طبقاتی و فقر در سال‌های اخیر می‌توان به تورم، رکود و بیکاری، رشد جمعیت و کاهش درآمد حقیقی حقوق‌بگیران ثابت اشاره کرد. افزایش نابرابری و فقر به‌واسطه آثار اقتصادی، می‌تواند تبعات اجتماعی و امنیتی نیز داشته باشد. افزایش مشاغل کاذب، جرم و بزهکاری، تأثیر منفی بر سطح سلامت عمومی، کاهش انگیزه تحصیل در بین خانوارهای کم‌درآمد و کاهش اعتماد به حکومت و از دست رفتن حمایت مردم، برخی از تبعات گسترش شکاف طبقاتی و فقر در جامعه هستند.

و نرخ تورم، جمعیت زیر خط فقر برای سال ۱۳۹۷، با تعریف سناریوهای مختلف، بین ۲۳ تا ۴۰ درصد جمعیت کشور برآورد شد، اما آنچه موضوع فقر را نگران‌کننده‌تر می‌کند، آن است که افراد گرفتار فقر نتوانند بعد از بازه زمانی مشخصی از فقر خارج شوند. این موضوع موجب ایجاد فقر پایدار می‌شود و بخشی از جامعه برای مدتی طولانی فقیر خواهند بود که این مسئله علاوه بر آثار اقتصادی می‌تواند تبعات اجتماعی و سیاسی نیز داشته باشد. با توجه به افزایش شدید هزینه‌هایی مانند اجاره مسکن، قیمت مواد خوراکی و آشامیدنی و با توجه به سهم بالای این اقلام در سبد مصرف خانوارهای دهک‌های پایین، علاوه بر بدتر شدن وضعیت معیشتی این خانوارها، می‌توان ایجاد فقر پایدار را انتظار داشت. همچنین بررسی شاخص ضریب جینی به‌عنوان یکی از مرسوم‌ترین شاخص‌های توزیع درآمد، نشان

نمودار ۴- ضریب جینی (درصد)



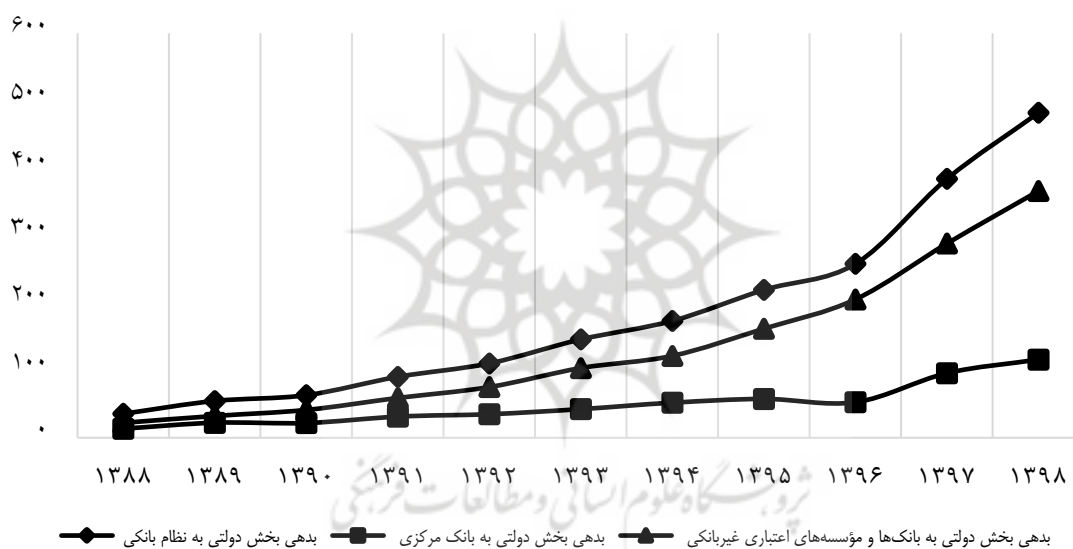
مأخذ: وبگاه مرکز آمار ایران.

## - بحران بدهی‌های دولت

بخش دولتی هستند که تا پایان سال ۱۳۹۸ میزان بدهی دولت به نظام بانکی و سازمان تأمین اجتماعی حدود ۷۵۲ هزار میلیارد تومان برآورد شده است. برخلاف بدهی‌های دولت به سازمان تأمین اجتماعی، میزان بدهی‌های دولت به نظام بانکی در دسترس است. نمودار شماره ۵، بدهی بخش دولتی را به نظام بانکی که شامل مجموع بدهی‌های بخش دولتی به بانک مرکزی و بانک‌های تجاری است، نشان می‌دهد.

در سال‌های اخیر، رشد چشمگیر بدهی‌های دولت، به‌ویژه بدهی‌های دولت به نظام بانکی باعث ایجاد نگرانی در خصوص بحران بدهی‌های دولت شده است. با وجود آنکه آمار و اطلاعات مستندی مبنی بر میزان بدهی‌های دولت وجود ندارد، اما براساس اطلاعات اعلام شده توسط برخی دولتمردان، نظام بانکی و سازمان تأمین اجتماعی بزرگ‌ترین طلبکاران

نمودار ۵- بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی، بانک‌های تجاری و نظام بانکی (هزار میلیارد تومان)



مأخذ: وبگاه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. *پرتال جامع علوم انسانی*

رکود اقتصادی منجر شود. به دنبال شکل‌گیری دور باطل بدهی‌های بخش دولتی، بخش عمده‌ای از تسهیلات بانکی به دولت اختصاص می‌یابد که نتیجه این موضوع کاهش منابع مالی موجود برای اعطای تسهیلات به سایر بخش‌ها خواهد بود و سایر بخش‌ها به‌رغم بالا بودن حجم نقدینگی موجود در سطح جامعه، با مشکلات تأمین مالی مواجه خواهند شد. براساس این، در سال‌های اخیر، افزایش تصاعدی

ملاحظه می‌شود که طی یک دهه گذشته میزان بدهی بخش دولتی به نظام بانکی به صورت چشمگیری افزایش یافته است و بخش عمده آن به استقراض بخش دولتی از بانک‌های تجاری مربوط می‌شود. بدون تردید ادامه روند کنونی باعث تعمیق بحران بدهی‌های دولت خواهد شد که به تبع، آثار منفی آن بر اقتصاد بیشتر می‌شود.

افزایش بدهی‌های دولت می‌تواند به شکل‌گیری دور باطل تداوم بدهی‌های دولت و در نهایت، به



کسری بودجه در سال ۱۴۰۰ بسیار محتمل خواهد بود که در نتیجه این اتفاق، انتظار می‌رود در سال آینده همچنان شاهد افزایش بدهی‌های دولت باشیم.

#### – بحران مصرف انرژی

طی دو دهه اخیر مصرف انرژی در ایران روند رو به رشدی داشته، این در حالی است که محدود بودن سوخت‌های فسیلی، توجه به مسایلی مانند امنیت انرژی و آلاینده‌های زیست‌محیطی ناشی از مصرف سوخت‌های فسیلی، ضرورت کاهش میزان مصرف سوخت‌های فسیلی و کاهش سهم آنها را در سبد مصرف انرژی نشان می‌دهد. روند مصرف انرژی کشور طی سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۶، در نمودار شماره ۶، آمده است.

بدهی‌های دولت به نظام بانکی باعث شده است به‌رغم بالا بودن نرخ رشد نقدینگی و همچنین افزایش بودن نسبت نقدینگی به تولید ناخالص داخلی، بخش‌های مولد اقتصادی با مشکلات مالی روبه‌رو شوند و این موضوع یکی از دلایل تشدیدکننده رکود اقتصادی سال‌های اخیر بوده است. آنچه نگرانی‌ها در خصوص بدهی‌های دولت را افزایش می‌دهد، منشأ بدهی‌های دولت است. بدهی‌های دولت به‌طور عمده ناشی از کسری بودجه سالانه و به‌طور مشخص کسری بودجه جاری هستند. بسیاری از کارشناسان اقتصادی اعتقاد دارند که درآمدهای دولت در سال ۱۴۰۰ از محل درآمدهای نفتی با بیش‌برآورد مواجه است و از این‌رو، داشتن

نمودار ۶- مصرف نهایی انرژی کل کشور (میلیون بشکه معادل نفت خام)



مأخذ: ترازنامه انرژی برای سال‌های مختلف.

ایران به تفکیک حامل‌های انرژی با مقیاس جهانی نشان می‌دهد که سرانه مصرف نهایی گاز طبیعی ۶/۶ و سرانه مصرف نهایی نفت و فراورده‌های نفتی ۱/۴

براساس آمار ترازنامه انرژی ایران در سال ۱۳۹۶، سرانه مصرف نهایی انرژی در ایران ۱/۸ برابر متوسط جهانی بوده است. مقایسه سرانه مصرف نهایی انرژی



به‌طور معمول از شاخص شدت مصرف انرژی استفاده می‌شود. جدول شماره ۱، میزان شدت مصرف انرژی برحسب کیلوگرم معادل نفت خام به‌ازای ایجاد یک دلار تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های ثابت ۲۰۱۵، برای منتخبی از کشورهای دارای بالاترین و کمترین میزان شدت مصرف انرژی را در سال ۲۰۱۹ نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، بیشترین مقدار این شاخص متعلق به اوکراین و کمترین مقدار آن متعلق به کلمبیاست. ایران با شدت مصرف انرژی معادل ۰/۱۷۹ در رتبه ششم بین کشورهای با شدت مصرف انرژی بالا قرار دارد. میزان شدت مصرف انرژی در ایران حدود ۲/۷ برابر متوسط شاخص یادشده برای ۱۰ کشور با کمترین شدت مصرف انرژی است.

برابر متوسط جهانی است. این موضوع از بهره‌وری پایین، مصرف بالای انرژی و همچنین استفاده از کالاها و خدمات انرژی‌بر ناشی می‌شود. از سوی دیگر، مصرف سرانه برق، زغال‌سنگ و انرژی‌های تجدیدپذیر از متوسط جهانی کمتر است. سرانه مصرف نهایی انرژی در بخش خانگی، تجاری و عمومی دو برابر متوسط جهانی است. همچنین سرانه مصرف در بخش‌های کشاورزی، خانگی، تجاری و عمومی، حمل‌ونقل و صنعت به ترتیب ۳/۳، ۲/۲، ۱/۵ و ۱/۵ برابر متوسط جهانی است.

با بررسی میزان مصرف انرژی به صورت مطلق، نمی‌توان در خصوص بهینه بودن یا نبودن مصرف انرژی اظهارنظر کرد. از این‌رو، به‌منظور بررسی وضعیت مصرف انرژی و مقایسه با دیگر کشورها

جدول ۱- شدت مصرف انرژی برحسب کیلوگرم معادل نفت خام برای ایجاد یک دلار تولید ناخالص داخلی به

قیمت‌های ثابت ۲۰۱۵

۱۰ کشور با بیشترین شدت مصرف انرژی		۱۰ کشور با کمترین شدت مصرف انرژی	
کشور	شدت مصرف انرژی	کشور	شدت مصرف انرژی
اوکراین	۰/۲۳۲	کلمبیا	۰/۰۵۵
روسیه	۰/۲۱۰	انگلستان	۰/۰۵۹
ونزوئلا	۰/۲۰۵	ترکیه	۰/۰۶۳
تایوان	۰/۱۸۹	ایتالیا	۰/۰۶۴
آفریقای جنوبی	۰/۱۸۰	رومانی	۰/۰۶۵
ایران	۰/۱۷۹	پرتغال	۰/۰۶۵
قزاقستان	۰/۱۷۶	اسپانیا	۰/۰۶۹
کانادا	۰/۱۷۱	آلمان	۰/۰۷۱
ازبکستان	۰/۱۵۲	مکزیک	۰/۰۷۴
نیجریه	۰/۱۴۸	هلند	۰/۰۷۶

مأخذ: Enerdata

به‌طور نگران‌کننده‌ای بالاست و سیاست‌های صرفه‌جویی در مصرف انرژی در ایران در سال‌های

بررسی روند مصرف انرژی و وضعیت شاخص شدت انرژی حاکی از آن است که میزان مصرف



با توجه به آنکه وقوع بحران‌های اقتصادی استفاده کارآمد از منابع و فرآیند رشد و توسعه باثبات را به خطر می‌اندازد، تهدیدکننده امنیت اقتصادی کشور است. در زمان وقوع بحران‌های اقتصادی، بازده فعالیت‌های مولد کاهش و در مقابل، بازده فعالیت‌های غیرمولد افزایش می‌یابد که در نتیجه آن منابع به سمت بخش غیرمولد سوق داده می‌شوند و این موضوع در نهایت، استفاده ناکارآمد از منابع و تضعیف بخش تولید را به همراه دارد.

موارد یادشده به‌عنوان مصادیقی از بحران‌های اقتصادی در کشور هستند که نمی‌توانند به صورت کاملاً منفک از یکدیگر در نظر گرفته شوند و علاوه بر تأثیرگذاری بر مؤلفه‌های اجتماعی، سیاسی و مدیریتی، از موارد مزبور نیز تأثیر می‌پذیرند.

در واقع، همان‌طور که بحران‌های اقتصادی تحت تأثیر متغیرهای سیاسی و اجتماعی قرار دارند، بحران‌های اقتصادی می‌توانند باعث ایجاد بحران‌های اجتماعی و سیاسی شوند؛ وقوع بحران‌های اقتصادی به‌واسطه اثرات منفی که بر اقتصاد کشور دارند، ممکن است به تنش‌های سیاسی - اجتماعی نیز منجر شوند. از سوی دیگر، باید توجه کرد که بقای حکومت و نظام سیاسی در هر کشوری تحت تأثیر رضایت عموم مردم از آن حکومت و حل مشکلات اقتصادی مردم است. از این‌رو، تداوم شرایط کنونی اقتصادی کشور و فقدان چاره‌اندیشی برای حل بحران‌های موجود، می‌تواند موجب تعمیق بحران‌های اقتصادی در آینده شود که نه تنها برای امنیت اقتصادی خطری جدی به شمار می‌آید، بلکه می‌تواند زمینه‌ساز بحران‌های

اخیر تأثیر قابل توجهی بر مصرف انرژی نداشته است. ادامه روند کنونی در مصرف سوخت‌های فسیلی، علاوه بر هزینه‌های اقتصادی که به همراه دارد، به دلیل انتشار آلاینده‌های زیست‌محیطی، در آینده‌ای نزدیک، بحران‌های زیست‌محیطی نیز به همراه خواهد داشت.

عوامل مختلفی در شکل‌گیری وضعیت کنونی اشتغال مؤثر بوده‌اند، اما شاید بتوان تنگناهای پیش روی بخش تولید و نظام آموزشی غیرهدفمند را اصلی‌ترین دلایل ایجاد شرایط کنونی دانست.

## ۲- ملاحظات امنیت اقتصادی

در حال حاضر کشور با بحران‌های مختلفی مواجه بوده که باعث ایجاد ناامیدی در جامعه شده و چشم‌انداز نسبتاً تاریکی برای کشور ایجاد کرده است. وضعیت بیکاری (به‌ویژه بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی)، روند متغیرهای تورم، نقدینگی و رشد بدهی‌های دولت در سال‌های گذشته، روند افزایشی مصرف انرژی و قرار گرفتن جزء ۱۰ کشور با بیشترین شدت مصرف انرژی، کاهش قدرت خرید و تشدید فقر و نابرابری در جامعه، از جمله مواردی است که باعث ایجاد ناامیدی و نگرانی در بین مردم و برخی سیاستمداران شده است.

اجتماعی و سیاسی و تهدیدی جدی برای بقای نظام باشد.

مقایسه درآمد سرانه حقیقی در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۸ بیان‌کننده آن است که طی این سال‌ها، درآمد سرانه کاهش چشمگیری را تجربه کرده، به طوری که درآمد سرانه سال ۱۳۹۸ نسبت به درآمد سرانه سال ۱۳۹۰، کاهش ۳۵/۷ درصدی داشته است.

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

وضعیت کنونی متغیرهای نقدینگی و تورم، نرخ بیکاری، فقر، بدهی‌های دولت و مصرف انرژی، علاوه بر آنکه بیان‌کننده ناکارآمدی سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در سال‌های گذشته است، نشان‌دهنده وجود بحران‌های اقتصادی در کشور است. در صورت فقدان چاره‌اندیشی و تداوم روند کنونی، ممکن است در آینده‌ای نزدیک شاهد تعمیق بحران‌های موجود و ایجاد بحران‌های دیگر در کشور باشیم که این موضوع، با توجه به تأثیرپذیری بحران‌های سیاسی و اجتماعی از بحران‌های اقتصادی، می‌تواند تهدیدی جدی برای امنیت اقتصادی و همچنین امنیت ملی باشد. راهکارهای زیر به منظور بهبود شرایط جاری و پیشگیری از تعمیق بحران‌های موجود ارائه می‌شوند:

- **منع به‌کارگیری مجدد بازنشستگان:** یکی از معضلات بازار کار که به بیکار بودن بخشی از

جمعیت جوان و تحصیل‌کرده منجر می‌شود، به‌کارگیری مجدد بازنشستگان بعد از اتمام دوره خدمت آنهاست. در صورتی که از این اقدام ممانعت به عمل آید، بخشی از نیروی کار تحصیل‌کرده می‌تواند مشغول به کار شود و از این طریق جمعیت بیکار تحصیل‌کرده کاهش یابد.

- **ایجاد تطابق بین دانش و مهارت دانش‌آموختگان با دانش و مهارت مورد نیاز برای تصدی مشاغل:** یکی از دلایل بیکاری گسترده فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، عدم تناسب رشته‌های دانشگاهی با نیاز بازار کار و نداشتن مهارت کافی نیروی کار برای تصدی مشاغل مختلف است. این موارد به‌نوعی نشان‌دهنده ناهماهنگی نظام آموزش عالی کشور با بازار کار است. از این‌رو، به‌منظور رفع این مشکل پیشنهاد می‌شود به‌جای توسعه آموزش عالی با کیفیت پایین و بدون توجه به نیازها و ظرفیت‌های بازار کار، ظرفیت جذب دانشجویان کاهش یابد و بر افزایش توانمندی و کارآیی نیروی تحصیل‌کرده و مهارت‌آموزی آن، تمرکز شود.

- **کاهش مخارج دولت:** از دلایل اصلی انباشت بدهی‌های دولت، افزایش تصاعدی مخارج دولت طی سال‌های اخیر (که به‌طور عمده نشأت گرفته از افزایش هزینه‌های جاری است) و داشتن کسری بودجه مزمن بوده است؛ از این‌رو، صرفه‌جویی در هزینه‌های دولت می‌تواند از طریق کاهش کسری بودجه، بخشی از معضل افزایش بدهی‌های دولت را برطرف کند. بدیهی است که بخش عمده‌ای از هزینه‌های جاری دولت به حقوق و دستمزد کارکنان



نرخ سود پایین و معافیت‌های مالیاتی مقطعی، برای ترغیب فعالان بخش خصوصی به منظور سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی استفاده کند. همچنین نظارت بیشتر بر بخش غیرمولد برای جلوگیری از گسترش بی‌رویه این بخش می‌تواند مؤثر باشد.

**- ارتقای فناوری تولید و کاهش انرژی‌بری در محصولات تولیدی:** روند صعودی مصرف انرژی و بالا بودن شدت مصرف انرژی بیان‌کننده مصرف غیربهبهینه انرژی در کشور است. بهینه‌سازی مصرف انرژی باید از دو بُعد مصرف انرژی توسط خانوارها و مصرف انرژی در فرآیند تولید دنبال شود. در این خصوص تجربه افزایش قیمت انرژی در سال ۱۳۸۹ نشان داد که بدون فراهم بودن زیرساخت‌ها، سیاست قیمتی نمی‌تواند موجب اصلاح مصرف انرژی شود. باید توجه کرد که یکی از دلایل اصلی بالا بودن مصرف انرژی در بخش تولید، به‌روز نبودن فناوری تولید است که برای رفع این مشکل راهکارهایی مانند اعطای تسهیلات به بخش‌های تولیدی برای خرید ماشین‌آلات جدید و به‌روزرسانی فناوری می‌تواند مؤثر باشد. همچنین کنترل محصولات تولیدی برای رعایت استانداردهای جهانی، ارتقای کیفیت و کاهش انرژی‌بری آنها می‌تواند در کاهش مصرف انرژی توسط خانوارها که بخش عمده‌ای از مصرف کل انرژی کشور را دربر می‌گیرد، مؤثر باشد.

**- ایجاد اشتغال مولد و مهارت‌آموزی برای مقابله با فقر:** یکی از مهم‌ترین دلایل فقر، نداشتن شغل یا درآمد کافی است؛ از این رو، مهم‌ترین راهکار مقابله با

شرکت‌های دولتی مربوط می‌شود و قابلیت کاهش چندانی ندارد، اما کاهش برخی هزینه‌ها مانند مزایا و پاداش‌هایی که به کارکنان شرکت‌های دولتی پرداخت می‌شود و حذف یارانه پرداختی به دهک‌های درآمدی بالا می‌تواند در کاهش کسری بودجه و به تبع، افزایش نیافتن بدهی‌های دولت مؤثر باشد.

**- کاهش حجم تصدی‌گری دولت در اقتصاد:** به‌رغم تأکید سیاست‌های کلی اصل ۴۴ مبنی بر ضرورت کوچک شدن دولت، در سال‌های اخیر نه‌تنها شاهد این موضوع نبوده‌ایم، بلکه هزینه‌های دولت افزایش چشمگیری داشته است. بدون تردید تداوم روند کنونی، زمینه افزایش بدهی‌های دولت را تقویت خواهد کرد. اجرای سریع‌تر سیاست‌های اصل ۴۴ می‌تواند از طریق واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی واقعی، کاهش حجم تصدی‌گری دولت در اقتصاد و در نتیجه، کاهش هزینه‌های بخش دولتی را به همراه داشته باشد. این اقدام می‌تواند مانع افزایش بیشتر بدهی‌های دولت شود.

**- ایجاد فضای باثبات اقتصادی:** نااطمینانی، بی‌ثباتی اقتصادی، بالا بودن ریسک فعالیت‌های مولد و بازدهی بالا و ریسک پایین فعالیت‌های غیرمولد موجب عدم رغبت فعالان اقتصادی به سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی و هدایت نقدینگی به سمت بازارهای رقیب تولید شده است. این موضوع علاوه بر تضعیف بخش تولید، از دلایل افزایش شدید قیمت‌ها در سال‌های اخیر بوده است. از این رو، پیشنهاد می‌شود به منظور هدایت نقدینگی به سمت بخش تولید، دولت از مشوق‌هایی مانند تسهیلات با

<https://www.amar.org.ir/>

- بانک اطلاعات سری‌های زمانی.
- ترازنامه انرژی برای سال‌های مختلف.
- گزارش توزیع درآمد در ایران ۱۳۸۰-۱۳۹۸، مرکز آمار ایران، تیر ۱۳۹۹.
- نابرابری درآمد و سنجه‌های آن، گزارش‌های کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس، مسلسل ۸۹۱۳، اسفند ۱۳۸۶.
- نتایج طرح آمارگیری نیروی کار برای سال‌های مختلف، مرکز آمار ایران.

فقر اعمال سیاست‌هایی برای ایجاد اشتغال و افزایش درآمد اقشار کم‌درآمد است. ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار برای اقشار کم‌درآمد بیش از کمک‌های مالی و معیشتی بر افزایش سطح رفاه آنها تأثیرگذار است. در این خصوص حمایت مالی از کسب‌وکارها و صنایع کوچک - به‌عنوان بخش‌هایی که افراد کم‌درآمد و فاقد مهارت بیشتر در آنها فعالیت دارند - می‌تواند باعث ایجاد فرصت‌های شغلی بیشتری برای گروه‌های کم‌درآمد جامعه شود. همچنین در کنار آموزش رسمی، دنبال کردن سیاست‌هایی مانند افزایش مهارت‌آموزی، می‌تواند شانس یافتن شغل و افزایش درآمد را در بین فقرا افزایش دهد.

- استفاده از ظرفیت‌های بازار سرمایه به‌منظور کنترل نقدینگی و رونق تولید: در سال‌های اخیر، نقدینگی به سمت بازارهای طلا، ارز، سکه و مسکن سرازیر و باعث جهش قیمت‌ها در این بازارها شده و از این طریق آثاری سوء بر اقتصاد به‌جای گذاشته است. تعمیق بازار سهام و ترویج فرهنگ سرمایه‌گذاری علاوه بر آنکه می‌تواند از طریق جلوگیری از هدایت نقدینگی به بخش غیرمولد، در کنترل تورم مؤثر باشد، می‌تواند از طریق تسهیل فرآیند تأمین مالی، رونق تولید را نیز به همراه داشته باشد.

### منابع

- وبگاه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

<https://www.cbi.ir/>

- وبگاه مرکز آمار ایران.

